



بررسی رابطه اقتدار والدینی و پیوند خانوادگی با سبک دلبستگی دانش آموزان دوره متوسطه

دکتر مهناز جوکار کمال آبادی^۱

سیده زحل قانعیان^۲

شیلا بیرانوند^۳

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش، تعیین رابطه بین اقتدار والدینی و پیوند خانوادگی با سبک دلبستگی دانش آموزان دوره متوسطه است. **روش:** جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی دانش آموزان دختر در هنرستان‌ها و مدارس مقطع متوسطه شهر اهرم (بوشهر) بوده که در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ مشغول به تحصیل می‌باشند. تعداد حجم جامعه ۲۰۰۰ نفر است که تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه و با شیوه نمونه گیری سیستماتیک انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌ی اقتدار والدینی (PAQ)، مقیاس دلبستگی والدین و همسالان و پرسشنامه‌ی پیوند والدینی (PBI) است.

یافته‌ها: جهت بررسی داده‌ها از رگرسیون گام به گام استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین دو متغیر اقتدار والدینی و پیوند خانوادگی با سبک دلبستگی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. در این میان سهم اقتدار والدینی بر سبک دلبستگی از پیوند خانوادگی بیشتر است. و از مولفه‌های متغیرهای وابسته، حمایت مفرط از سوی والدین در کنار مولفه والدین آسان گیر و مراقبت به ترتیب بیشترین تأثیر را بر دلبستگی دارند.

نتیجه گیری: دلبستگی پدر و مادر، بیشترین پیش بینی کنندگی ابعاد دلبستگی در اقتدار والدینی محسوب می‌شوند.

کلید واژه‌ها: اقتدار والدینی، پیوند خانوادگی، سبک دلبستگی

۱. استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر - Joukar.m@gmail.com

۲. مشاور دانشگاه خلیج فارس بوشهر - Zohal_ghaneian@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان



مقدمه

دوره ی نوجوانی سرآغاز اختلافات فرزندان با والدین است. نوجوانی از یک سو دوره بازنگری و بازسازی ارتباط با والدین و جامعه محسوب می شود و از سوی دیگر آغاز بازشناسی و بازسازی خود به عنوان یک فرد مستقل است. از این رو بیشترین اختلاف های والدین و فرزندان در دوره نوجوانی پیش می آید. یکی از مشکلات نوجوانی و جوانی مشکل مناسبات و روابط نوجوان با والدین است. نوجوانان از والدین خود شکوه های مختلفی دارند. سبک اعمال قدرت، کنترل همه جانبه، خودداری از به حساب آوردن نقطه نظرات نوجوانان، در دسترس نبودن والدین، وضع قانون در لحظه، انتظارات غیرواقعی، نپذیرفتن انتقاد و پیش داوری در مورد نوجوانان، موضوعاتی هستند که از نظر نوجوان باعث تعارض وی با والدینش می شوند.

بدون شک نوع ارتباط عاطفی با والدین یا نوع سبک دلبستگی یکی از عوامل بسیار تأثیر گذار است. یکی از نکات مهم در مطالعه دلبستگی در نوجوانان، تعارض میان رفتارهای دلبستگی و تحول استقلال از والدین و هدفمند شدن آن است، به این معنی که نوجوانان طی کسب مهارت های ارتباطی این توانایی را می یابند تا رفتارهای دلبستگی خویش را در موقع لزوم تغییر داده و اتکای کمتری بر والدین به عنوان چهره های دلبستگی داشته باشند. در این سن، کنش وری پیشین نظام دلبستگی الگوهای عادی برای پاسخ دهی، می توانند به عنوان تهدیدی در برابر تلاش نوجوان برای استقرار خود مختاری باشد. بنابراین برای نوجوان مشکل است که بتواند میان این دو تعادل برقرار کند. با این وجود به نظر می رسد رابطه مبتنی بر دلبستگی ایمن این انتقال را تسهیل می کند (آلن^۱، هاسر^۲، اوکانر^۳، بل^۴، ۲۰۰۲). از سویی دیگر اثر دیگر تغییر، توازن میان دلبستگی و رفتار کاوش گرایانه در نوجوانان، افزایش ظرفیت نوجوان برای ارزیابی دوباره ماهیت دلبستگی با والدین است (کسیدی^۵ و شاور^۶، ۲۰۰۸).

پیوند والدین، یکی از شیوه های جدید تربیت فرزند است که به عقیده بالبی پیوندی بسیار متداول و موثر در روابط انسانی است که نقش مهمی در رشد شخصیت و کارکردهای روانشناختی دوران بزرگسالی ایفا می کند (پارکر^۷ و همکاران، ۱۹۹۲؛ به نقل از شهنی ییلاق و همکاران، ۱۳۹۰). پیوند والدینی به نوع و چگونگی تعامل کودک با والدین اطلاق می شود که همپوشی بالایی با دلبستگی دارد (روس^۸ و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از شهنی ییلاق و همکاران، ۱۳۹۰). پژوهش ها نشان داده اند که پیوند والدینی می تواند بر تحول کودکان موثر باشد و ممکن است خطر تحول آسیب پذیری ها را در دوران بلوغ تحت تاثیر قرار دهد (کارنز^۹ و آدامز^{۱۰}، ۲۰۰۲؛ به نقل از شهنی ییلاق و همکاران، ۱۳۹۰). شهنی ییلاق و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی رابطه علی پیوند والدینی با خودناتوان سازی و اعتماد به خود با میانجی گری پدیده وانمود گرایی در دانشجویان پرداختند و نتایج نشان داد که مراقبت زیاد مادرانه باعث افزایش اعتماد به خود و مراقبت کم و حفاظت افراطی پدران باعث وانمود گرایی در دانشجویان می شوند. همچنین، پژوهش آنان نشان داد که پدیده وانمود گرایی پیشیند مثبت خود ناتوان سازی است. سیرهای غیرمستقیم مراقبت

1. Allen
2. Hauser
3. Oconner
4. Bell
5. Cassidy
6. Shaver
7. Parker
8. Russ & et al
9. Carnes
10. Adams



پدرانه و حفاظت افراطی پدرانه با خودناتوان‌سازی، با میانجیگری پدیده وانمودگرایی، معنی‌دار بودند. یک مدل اصلاحی نیز برای داده‌ها آزمایش شد و برانده‌تر از مدل اصلی بود.

دویل^۱ و همکاران (۲۰۰۳) در بخشی دیگر از پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در اواخر نوجوانی مادران تنها شخص مورد دل‌بستگی باقی می‌ماند اگر چه هم دختران و هم پسران وجود مادرشان را در طول زندگی ثابت می‌بینند اما دختران کوچکتر بیشتر از دختران نوجوان، پدرشان را کمتر در دسترس می‌دانند. علی‌رغم اهمیت بیشتر مادران به عنوان افراد مورد دل‌بستگی و اهمیت دل‌بستگی به مادران برای سازگاری پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دل‌بستگی پدران ممکن است ارتباط چشم‌گیری با برخی ابعاد سازگاری داشته باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سازگاری نوجوانان به ارزیابی خوب از کیفیت روابط آنها با والدینشان بستگی دارد و پدران نقش مهمی در سازگاری کودک دارند (دویل و همکاران، ۲۰۰۳). ویزمن^۲ و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین پیوند خانوادگی با سبک‌های دل‌بستگی و احساس تنهایی در دانشجویان سال اول مقطع کارشناسی در دانشگاه پرداختند. جامعه آماری شامل ۱۴۶ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی (۶۹ نفر مرد و ۷۷ نفر دختر) بودند. با استفاده از پرسشنامه‌های سبک‌های دل‌بستگی، مقیاس تنهایی و پیوند خانوادگی در ترم دوم سال اول اطلاعات جمع‌آوری شد. این پژوهش به صورت همبستگی بود که داده‌ها بدست آمده با استفاده از رگرسیون چند متغیره و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج رگرسیون نشان داد رابطه معناداری بین پیوند خانوادگی با دل‌بستگی و احساس تنهایی در بین دانشجویان وجود دارد. همچنین رابطه معناداری بین دل‌بستگی نایمن و احساس تنهایی در بین دانشجویان مشاهده شد. یعنی دانشجویانی که از سبک دل‌بستگی نایمن برخوردار بودند احساس تنهایی بیشتری را تجربه می‌کردند و همچنین ارتباط خانوادگی و کیفیت درک شده از ارتباط خانوادگی با تنهایی رابطه معناداری وجود دارد.

بامریند^۳ (۱۹۹۱)؛ به نقل از برزونسکی^۴ (۲۰۰۴) سه نوع از روش‌های فرزندپروری را تعریف کرد: اقتداری^۵ استبدادی^۶ و سهل‌سپه‌گیر^۷؛ والدینی که دارای شیوه فرزندپروری اقتداری هستند، دارای سطح بالایی از کنترل هم حساسیت و پاسخدهی بالایی هم‌زمان با نیازهای کودکانشان دارند. آنها تلاش می‌کنند که فرزندانشان استدلال کنند و توانایی و استعدادها را تقویت می‌کنند. اما آنها همچنین زمانی که تصور کنند مناسب است، قاطعانه با فرزندانشان رفتار می‌کنند (لینتوت^۸، ۲۰۰۹). آلن^۹ و برنادو^{۱۰} (۲۰۱۰) در پژوهشی در دانشگاه فیلپین به بررسی رابطه‌ی اقتدار والدین و درک و رفتار نوجوانان پرداخته شد. روش پژوهش به صورت همبستگی و نمونه آماری شامل ۱۳۰ نفر از دانشجویان ترم اول دانشگاه در مقطع کارشناسی بودند. که با استفاده از پرسشنامه‌ی اقتدار والدینی و ادراک رفتاری اطلاعات جمع‌آوری شد و با استفاده از روش آماری رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین سه حوزه رفتار تحصیلی: فرآیند یادگیری، دانشگاه و انتخاب موضوع در دانشجویان با اقتدار طلبی والدین رابطه معناداری وجود دارد. و همچنین نتایج بیانگر رابطه منفی و معناداری بین یادگیری و

1. Doyle
2. Wiseman
3. Baumrind
4. Brzonsky
5. authoritative
6. authoritarian
7. Permissive
8. Lintott
9. Allan
10. Bernardo



اقتدار والدینی در دانشجویان است ولی بین مشروعیت انتخاب موضوع و اقتدار والدینی رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. نتایج پژوهش وانت^۱ و کلیتمن^۲ (۲۰۰۶) نیز نشان داد که مراقبت کم و حفاظت افراطی پدرانه باعث ظهور پدیده وانمودگرایی می شود و این پدیده منجر به افت اعتماد به خود و بروز خود ناتوان سازی می گردد. این پژوهشگران معتقدند که پدر حفاظت کننده ممکن است به اشکال مختلفی باعث ایجاد مشکلاتی در مسیر پیشرفت فرزندش شود، بدین صورت که از طریق تحمیل آرزوهای خود به کودک به رشد پدیده وانمودگرایی کمک کند یا آرزو کند که فرزندش از هر نوع شکست و ناملایمیتی به دور باشد. انز و همکاران^۳ (۲۰۰۲) مشاهده کردند که فقدان مراقبت والدین با آسیب شناسی روانی بزرگسالان مرتبط است.

تاکنون پژوهش های جداگانه بسیاری در مورد سبک های دلبستگی و نقش اقتدار و پیوند والدینی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. ولی هیچ پژوهش جامعی که به بررسی نقش اقتدار والدینی و پیوند والدینی بر دلبستگی در دوره نوجوانی پرداخته باشد صورت نگرفته است. بنابراین ضرورت انجام پژوهشی در این زمینه کاملاً احساس می شود.

با توجه به حساسیت رابطه فرزندان با والدین در دوره نوجوانی، این پژوهش به دنبال بررسی اهمیت رابطه نقش اقتدار والدین و پیوند خانوادگی با سبک دلبستگی در این مقطع سنی است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه چندگانه بین اقتدار والدینی و پیوند خانوادگی با سبک دلبستگی دانش آموزان دوره متوسطه شهر اهرم است.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر هنرستان ها و مدارس مقطع متوسطه شهر اهرم می باشند که در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ مشغول به تحصیل بوده اند. نمونه مورد پژوهش که متشکل از ۲۰۰ نفر می باشد با استفاده از روش نمونه گیری منظم (سیستماتیک) انتخاب شد. برای بررسی هدف پژوهش از روش آماری رگرسیون گام به گام استفاده شده است. داده ها توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

ابزار: پرسشنامه اقتدار والدینی (PAQ) پرسشنامه ای است که توسط بومریند^۴ در ۱۹۷۱ طراحی گردیده و برای اندازه گیری اقتدار اقتدار والدین، یا شیوه های تربیتی والدین از دیدگاه فرزند (در هر سنی) طراحی شده است. PAQ شامل ۳ خرده مقیاس والدین آسان گیر - والدین قدرت طلب و والدین مقتدر است. روایی محتوای آن خوب گزارش شده است. اسفندیاری^۵ (۱۳۷۴) پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای شیوه های سهل گیر (۰/۹۶)، آمرانه (۰/۷۷) و اقتداری (۰/۷۳) بدست آورده است (بشارت و همکاران، ۱۳۸۹)

مقیاس دلبستگی والدین و همسالان (IPPA) متشکل از سه پرسشنامه مجزای ۲۵ گزینه ای است که دلبستگی فرد را به والدین و همسالان می سنجد. نخستین بار گای آرمسدن^۵ از این پرسشنامه ها در ۱۹۸۷ استفاده نموده است. این پرسشنامه توسط گرینبرگ^۶ در سال ۲۰۰۹ مورد بازبینی قرار گرفته است. هر پرسشنامه سه خرده مقیاس دارد، استفاده از نمره کل بر نمره خرده مقیاس ها ارجح بوده و توصیه می گردد مقیاس دلبستگی در اصل برای اواخر دوره بلوغ طراحی شده ولی حقیقتاً برای سنین ۱۰

1. Want
2. Kleitman
3. Enns & et al
4. Baumrind
5. Gay armsden
6. greenberg



تا ۲۰ سال هم سودمند است. در نسخه بازبینی شده آلفای کرونباخ برای سه گروه مذکور به ترتیب ۸۷، ۸۹ و ۹۲ بدست آمده است (گرینبرگ، ۲۰۰۹).

پرسشنامه پیوند والدینی PBI یک ابزار ۲۵ گزینه ای است که برای اندازه گیری پیوند والدین-کودک، از دیدگاه کودک طراحی شده است. این پرسشنامه براساس ۲ متغیری توجه و مراقبت(در مقابل بی علاقه و عدم پذیرش) و حمایت مفرط (در مقابل ترغیب به خودمختاری و استقلال) ساخته شده است. در مطالعات گوناگون آلفای کرونباخ برای پرسشنامه پیوند والدینی برای پدر و مادر و هر کدام از دو متغیر بین ۰/۷۹ تا ۰/۹۲ ارزیابی گردیده اند (پارکر، ۱۹۷۹).

یافته ها

جدول ۱ داده های توصیفی نمونه مورد پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار
دلبستگی	۷۹/۱۹۶۷	۵/۹۳۴
پیوند خانوادگی	۸۲/۴۵۵	۱۰/۳۲۷
اقتدار والدینی	۹۸/۷۶	۹/۰۹۸

به منظور ارائه تصویری روشن از روابط بین متغیرهای پژوهش، در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق در کل نمونه پژوهشی نشان داده شده است.

جدول ۲. همبستگی بین متغیرهای تحقیق

		اقتدار والدینی	پیوند خانوادگی	دلبستگی
اقتدار والدینی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۲۸۱**	۰/۲۷۹**
	سطح معناداری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
پیوند خانوادگی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۸۱**	۱	۰/۲۳۹**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰		۰/۰۰۱
دلبستگی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۷۹**	۰/۲۳۹**	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	

با توجه به جدول فوق تمامی متغیرهای مستقل تحقیق با متغیرهای وابسته رابطه معنادار دارند. جهت بررسی هدف پژوهش از رگرسیون خطی چندگانه گام به گام استفاده گردید. نتایج حاصل در جداول ذیل آورده شده است.



جدول ۳. ضریب تعیین رگرسیون رابطه بین اقتدار والدینی و پیوند خانوادگی با دل بستگی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای انحراف از برآورد
۱	۰/۲۷۹	۰/۰۷۸	۰/۰۷۳	۰/۲۲۹
۲	۰/۳۲۵	۰/۱۰۶	۰/۰۹۷	۰/۲۲۶

• متغیر پیشبین: اقتدار والدینی

• متغیر پیشبین: اقتدار والدینی و پیوند خانوادگی

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد میزان ضریب تعیین رگرسیون بین اقتدار والدینی با دل بستگی $R^2 = 0.078$ می‌باشد که این میزان نشان می‌دهد ۷/۸ درصد از تغییرات دل بستگی مربوط به اقتدار والدینی است و با ورود متغیر پیوند خانوادگی به مدل میزان ضریب تعیین ۰/۱۰۶ می‌شود.

همچنین جهت بررسی تاثیر مولفه های متغیرهای مستقل بر دل بستگی از رگرسیون چندگانه گام به گام استفاده گردید که نتایج آن در ذیل آورده شده است.

جدول ۴. مربوط به ضریب تعیین رگرسیون رابطه بین مولفه های اقتدار والدینی و پیوند خانوادگی با دل بستگی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای انحراف از برآورد
۱	۰/۳۵۳a	۰/۱۲۵	۰/۱۲	۰/۲۲۳
۲	۰/۷۹۶b	۰/۲۲	۰/۲۱۲	۰/۲۱۱
۳	۰/۴۹۴c	۰/۲۴۴	۰/۲۳۲	۰/۲۰۸

a. پیشبین (Constant): حمایت افراطی

b. پیشبین (Constant): حمایت افراطی، والدین آسان گیر

c. پیشبین (Constant): حمایت افراطی، مراقبت، والدین آسان گیر

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد میزان ضریب تعیین رگرسیون بین مولفه های حمایت افراطی، مراقبت و والدین آسان گیر با دل بستگی $R^2 = 0.244$ می‌باشد.

در ادامه جهت بررسی ابعاد دل بستگی از رگرسیون استفاده شده است که نتایج آن در ذیل آورده شده است.

جدول ۵. مربوط به ضریب تعیین رگرسیون رابطه بین اقتدار والدینی و پیوند خانوادگی با ابعاد دل بستگی است

ابعاد دل بستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای انحراف از برآورد
۱	۰/۰۸۲a	۰/۰۷۷	۰/۲۸۹۱۶
۲	۰/۰۷a	۰/۰۷۴	۰/۵۰۱۱۴
۳	۰/۰۱۳a	۰/۰۰۳	۰/۳۷۵۹

a. متغیر پیش بین: اقتدار والدینی

۱. دل بستگی پدر



۲. دل‌بستگی مادر

۳. دل‌بستگی همسالان

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد میزان ضریب تعیین رگرسیون بین اقتدار والدینی با ابعاد دل‌بستگی، به ترتیب با دل‌بستگی پدر $R2 = 0.082$ ، دل‌بستگی مادر $R2 = 0.079$ و دل‌بستگی همسالان $R2 = 0.013$ می‌باشد. و بیانگر آن است که ۸.۲ درصد از تغییرات دل‌بستگی پدر مربوط به اقتدار والدینی است. و میزان ۷.۹ درصد از تغییرات دل‌بستگی مادر نیز مربوط به اقتدار والدینی است و همچنین کمترین میزان ۱.۳ درصد از تغییرات است که مربوط به دل‌بستگی همسالان می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون که در جدول ۲ آمده است، در یک نتیجه گیری کلی که برای ارتباط کلیه متغیرها با هم در نظر گرفته شد با توجه به رگرسیون چند متغیره، سطح معناداری متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و در نتیجه بین اقتدار والدینی و پیوند خانوادگی با دل‌بستگی دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان اهرم رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین هدف پژوهش تایید می‌گردد. که در این میان سهم اقتدار والدینی بر سبک دل‌بستگی از پیوند خانوادگی بیشتر است. در بررسی همبستگی بین دو متغیر اقتدار والدینی و دل‌بستگی نیز مشاهده شد مثبت بودن ضریب همبستگی نشان دهنده ی این موضوع است که هر دو تغییر در جهت موافق رخ می‌دهد و با هم رابطه مستقیم دارند.

در ادامه با بررسی مولفه های متغیرهای وابسته مشخص شد به ترتیب حمایت مفرط از سوی والدین در کنار مولفه والدین آسان گیر و مراقبت، بیشترین تأثیر را بر دل‌بستگی دارند.

هر چند مطالعات برگ (۱۳۸۷) نشان می‌دهد، فرزندان والدینی که دارای سبک اقتداری هستند، در دوران کودکی دارای ویژگی های سرزندگی و شادابی، عزت نفس بالا، خود کنترلی بالا رفتار نقش جنسی منفی اندک و در دوران نوجوانی دارای ویژگی های سطح بالای جرأت ورزی بلوغ اجتماعی و اخلاقی پیشرفت علمی و موفقیت آموزش می‌باشند؛ با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد نیاز به حمایت از سوی والدین در اینجا به مفهوم حمایتگری، نشان دهنده وجود والدینی مداخله گر و مهارگر نیست به نحوی که آزادی عمل را از کودک سلب نماید. زیرا در بعضی فرهنگ ها از جمله امریکایی های آفریقایی تبار، فزون حمایتگری نوعی مراقبت تلقی می‌شود (کارتر و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از فاضلی مهرآبادی و همکاران، ۱۳۹۰).

در تایید یافته های پژوهش برخی مطالعات نشان دادند که فقدان مراقبت، سبک قدرت طلبی والدین و یا محافظت بیش از حد در دوران کودکی با افسردگی و اختلال های اضطرابی ارتباط دارد (شاکر و حمیلی، ۱۳۹۰).

در بررسی میزان پیش بینی کنندگی ابعاد دل‌بستگی بر اقتدار والدینی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سهم دل‌بستگی پدر و مادر بر اقتدار والدینی بیشتر از همسالان است. یکی از عوامل بسیار مهم در رشد دل‌بستگی عاطفی کودک، مادر و سایر مراقبان او هستند و این دل‌بستگی روابط کودک را در جامعه بزرگ تر فردا رقم می‌زند و کودک این رابطه با والدین را بعدها نیز حفظ خواهد کرد تا رفتار خود را با والدین محبوبش تطبیق دهد. پس دل‌بستگی می‌تواند زمینه لازم برای تأثیر مثبت والدین بر فرزندان را فراهم نماید و فرزندان را به سوی تطبیق رفتار خود با والدین تشویق و ترغیب کند و مبنای رفتارشان را می‌توان در میزان و چگونگی دل‌بستگی آنها به والدین شان مشاهده کرد. مادران زاپنی وظیفه خود می‌دانند که کودک را وابسته به خانواده و وفادار به خود و اعضای خانواده بار آورند. بنابراین، فرزندانشان را غالباً نزد خود نگهداری می‌کنند و هرگاه کودک گریه کند او را به خوبی ساکت می‌کنند. به همین سبب، کودکان وابسته تر و علاقه مندتر هستند و در مجموع، گسستگی از زندگی در آنها دیده نمی‌شود.



دویل و همکاران (۲۰۰۳) در بخشی از پژوهش خود دریافتند که در اواخر نوجوانی، مادران به عنوان تنها شخص مورد دلبستگی باقی می ماند. کلیتمن و موسسکروپ^۱ (۲۰۱۰) نیز نتیجه گرفتند که مراقبت مادرانه پیش بینی کننده اعتماد به خود در افراد است، به اینصورت که با افزایش مراقبت صمیمانه مادر، اعتماد به خود در فرزند بیشتر می شود (به نقل از شهنی ییلاق و همکاران، ۱۳۹۰).

علیرغم اهمیت بیشتر مادران به عنوان افراد مورد دلبستگی و اهمیت دلبستگی به مادران برای سازگاری پژوهش ها نشان می دهد که دلبستگی پدران نیز ممکن است، ارتباط چشمگیری با برخی ابعاد سازگاری داشته باشد. همچنین وانت و کلیتمن (۲۰۰۶) نشان دادند که مراقبت کم و حفاظت افراطی پدران باعث ظهور پدیده وانمودگرایی می شود و این پدید منجر به افت اعتماد به خود و بروز خود ناتوان سازی می گردد. این پژوهشگران معتقدند که پدر حفاظت کننده ممکن است به اشکال مختلفی باعث ایجاد مشکلاتی در مسیر پیشرفت فرزندش شود؛ بدین صورت که از طریق تحمیل آرزوهای خود به کودک به رشد پدیده وانمودگرایی کمک کند یا آرزو کند که فرزندش از هر نوع شکست و ناملاIMITY به دور باشد.

نتایج دیویل و همکاران (۲۰۰۳) نشان می دهد که سازگاری نوجوانان به ارزیابی خوب از کیفیت روابط آنها با والدینشان بستگی دارد. و با پرورش دلبستگی زمینه جذب و انجذاب افراد و تأثیرگذاری والدین بر فرزندان فراهم می شود (بی ریا و همکاران، ۱۳۷۵). از سویی دیگر، از جمله مبنای روان شناختی ارتباط مؤثر والدین و فرزندان، مفهوم دلبستگی است. برخی دلبستگی را آغاز محبت و رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان تلقی کرده اند. هر نوزادی با طیفی از رفتارها به دنیا پا می گذارد و رابطه دلبستگی عمیقی را با والدین خود گسترش می دهد. همچنین ماسن و همکاران (۱۳۸۰) بر این باورند که آرامش حاصل از تماس جسمانی در مقایسه با تغذیه، مهم ترین عامل تعیین کننده دلبستگی نوزادان به مراقب اولیه خویش است؛ بنابراین منطقی به نظر می رسد که فرزندان که در دوران ابتدایی رشد خویش از رابطه دلبستگی موثری برخوردار بوده اند در دوران نوجوانی دارای ویژگی هایی مثبتی که اشاره شد باشند.

تغییر توازن میان دلبستگی و رفتار کاوش گرایانه در نوجوانان، موجب افزایش ظرفیت نوجوان، برای ارزیابی دوباره ماهیت دلبستگی با والدین است (کسیدی و شاور، ۲۰۰۸) فرد در نوجوانی اتکای کمتری بر والدین به عنوان چهره های دلبستگی دارد. با این وجود به نظر می رسد رابطه مبتنی بر دلبستگی ایمن این انتقال را تسهیل می کند (آلن و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین نوجوان می بایست در این سن برای حفظ خود به عنوان فردی مستقل، بین پاسخ دهی به سبک نظام دلبستگی پیشین و کسب خودمختاری تعادل برقرار کند. لذا والدین از یک سوی با میدان دادن به نوجوان و از سوی دیگر حفظ حمایت و مراقبت خود، فضای لازم را برای کسب تجربیات نوجوان فراهم نموده. و این تعارض پایان می یابد. بنابراین نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که والدین می توانند با ایجاد فضای لازم جهت رشد استقلال نوجوان در کنار حمایت و مراقبت لازم زمینه خودمختاری و حفظ دلبستگی را در دوره نوجوانی فراهم سازند.

منابع

منابع فارسی

بشارت، محمد علی؛ غفوری، بهاره و رستمی، رضا (۱۳۸۵). بررسی مقایسه سبک های دلبستگی بیماران مبتلا به اختلال مصرف مواد و افراد عادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

برک، لورا (۱۳۸۷). روانشناسی رشد از لقاح تا کودکی. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.

بی ریا، ناصر و همکاران (۱۳۷۵). روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت، ج ۲، ص ۷۹۶.



- شاکر، علی و حمیلی، نسرین (۱۳۹۰). مقایسه سبک‌های دلبستگی و پیوند با والدین در بیماران مبتلا به اختلال‌های وسواس فکری- عملی، اضطراب فراگیر و افسردگی، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی جهرم، دوره نهم، شماره سه، ۲۶-۳۰.
- شهنی ییلاق، منیژه و همکاران (۱۳۹۰). رابطه علی پیوند والدینی با خودناتوان سازی و اعتماد به خود با میانجی‌گری پدیده وانمودگرایی در دانشجویان، مجله دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره اول، سال اول، شماره ۲، ۹۷-۱۱۸.
- فاضلی مهرآبادی، علیرضا (۱۳۹۰). پیوندهای والدینی و سلامت روانی: نقش جنس، مجله روانشناسی تحولی، سال هشتم، شماره ۳۰، ۱۹۷-۲۰۶.
- ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۸۵). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، انتشارات: ماد.

منابع لاتین

- Allan B.I. Bernardo.(2010). Exploring Filipino adolescents' perceptions of the legitimacy of parental authority over academic behaviors Original Research Article Journal of Applied Developmental Psychology, Volume 31, Issue 4, Pages 273-280
- Allen, J.P., Hauser, S.T., O'Connor, T.G., & Bell, K.L. (2002). *Prediction of Peer-Rated Adult Hostility from Autonomy Struggles in Adolescentfamily Interactions, Development and Psychopathology*, 14, 123-137.
- Baumrind,D. (1991). *Effective parenting during the early adolescent transition* In P.A. Cawan & E.M. Hetherington (Eds), *Family transitions*, Vol,2 ,PP.111-116,Millsdale NJ: Erlbaum
- Cassidy, J., & Shaver, P.R. (2008). *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications* (pp. 419-435). New York: Guilford Press
- Doyle , Anna Beth , Moretti ; Marlene. M ; William. B (2003) “ Parent – Child relationships and adjustment in adolescence : Findings from the HBSG “. Cycle 3 and NLSCY style 2 studies. www. Phacmspc.
- Enns MW, Cox BJ, Clara I. (2002).Parental bonding and adult psychopathology: results from the US National Comorbidity Survey. *Psychol Med*; 32(6): 997-1008.
- Greenberg,M. Armsden,G.(2009).Inventory of parent and peer attachment (IPPA).journal of youth and adolescent.
- Lintott,M. (2009). An introduction to parenting styles, the hanen center newsletter for family support professionals, Vol 1, Issue 1.
- Parker,G,Toppling.,H.Brown,L.(1979).A parental bonding instrument. *British journal of medical psychology*.52.1-10
- Wiseman,H. Ofra Mayseless, Ruth Sharabany.(2006).Why are they lonely?Perceived quality of early relationships with parents, attachment, personality predispositionsand loneliness in first-year university students Original Research Article *Personality and Individual Differences*, Volume 40, Issue 2, Pages 237-248.